

## توسعه روستایی در عمل: مسائل رخ داده در اسکاتلند و ایرلند شمالی

### چکیده

پس از طرح های اخیر از کمیسیون EC و وزیران انگلستان برای تاکید سیاسی بر توسعه یکپارچه روستایی، این مقاله با ملاحظه برخی از عناصر کلیدی در یک الگوی توسعه درون زای روستایی، از جمله نقش مشارکت ها، مشارکت اجتماعی، حرکت و ظرفیت سازی آغاز می شود. این مقاله بر چهار پرسش کلیدی تمرکز می کند که استدلال ما اینست که این چهار عنصر، محور تلاش ها برای عملیاتی کردن توسعه یکپارچه روستایی هستند که ما بر روی شیوه های اخیر در اسکاتلند و ایرلند شمالی تمرکز می نماییم. آن عناصر عبارتند از: مشروعیت مشارکت های توسعه روستایی و اداره امور محلی؛ اهداف و فرآیندهای توسعه روستایی، زمان اختصاص داده شده برای پیش-توسعه و بیان برنامه های توسعه روستایی یکپارچه با برنامه های دیگر. در نهایت، برخی از نتیجه گیری ها برای سیاست و شیوه توسعه روستایی آینده اروپا و ملی را ارائه می دهیم.

### مقدمه

در اتحادیه اروپا و بریتانیا، یک گفتمان سیاسی پدید آمده است که یک تغییر اساسی در سیاست های حمایت از یک رویکرد بخش (کشاورزی) را در نظر می گیرد که قلمرو-محور (روستایی) است و بر توسعه ظرفیت مناطق روستایی برای حمایت خود از طریق ظرفیت سازی، طرح های مبتنی بر جامعه و مشارکت تاکید می کند. این تاکید بر فعالسازی و توانمند سازی مردم روستایی به گرفتن کنترل سرنوشت خود از طریق توسعه یکپارچه روستایی پایین به بالا مدیون سنتهای قبلی توسعه جامعه است، اما هنوز مشخص نیست که این عمل در حال حاضر به خوبی از نظر تجربی و یا به لحاظ نظری پایه گذاری شده است یا خیر.

در این مقاله ما روی چهار پرسش کلیدی تمرکز می نماییم که از نظر ما، محوریت تلاش ها برای عملیاتی کردن توسعه روستایی یکپارچه (IRD) هستند: مشروعیت مشارکت توسعه روستایی و اداره امور محلی؛ اهداف و فرآیندهای توسعه روستایی؛ زمان اختصاص داده شده برای قبل از توسعه؛ و بیان برنامه های IRD با برنامه های دیگر. سرانجام برخی از نتیجه گیری ها برای شیوه و سیاست توسعه روستایی ملی و اروپایی را پیشنهاد می دهیم.

### مسائلی در مورد شیوه توسعه یکپارچه روستایی در بریتانیا

به طور معمول، توسعه یکپارچه روستایی، یک استراتژی ارضی و یا مبتنی بر منطقه را نشان می دهد که از طریق آن سیاست های بخشی و ابزارها می توانند در نقطه پیاده سازی یکپارچه سازی شوند. توسعه نه تنها یک ماده از نتایج اقتصادی است، اما همچنین یک فرآیند است که از طریق آن افراد بهتر قادر به کنترل سرنوشت های خود و مقابله با تهدیدهای یا فرصت های پیش رو هستند. "اساسا این کار شامل توانمند سازی جوامع می شود. . . توسعه محلی از طریق توانمندسازی باید مبتنی بر فرآیندهای "حرکت اجتماعی"، "تسهیل" و "طرفیت سازی" باشد به طوری که بر احساس گسترده بی تفاوتی و ناتوانی که مشخصه بسیاری از مناطق محروم روستایی است غلبه نمایند (Walsh, و Kearney, Boyle, 1994, ص. 22). عناصر مختلف در این فرایند (مشارکت ها، مشارکت جامعه، حرکت، تسهیل، و برنامه ریزی استراتژیک) باید در جای دیگر به تفصیل شرح داده شوند و مسئله ساز هستند (Shortall و Shucksmith, 1998). به عنوان مثال، رسیدن به مشارکت اجتماعی اغلب دشوار است و توسعه جامعه مبتنی بر منطقه اغلب قدرتمندان موجود را قوی تر ساخته است و محرومیت اجتماعی گروه فقیرتر را تشدید نموده است.

در اتحادیه اروپا، LEADER (رهبر) به طور کلی به عنوان برنامه توسعه روستایی اصلی از این نوع درک می شود، اگر چه ایرلند شمالی نیز واجد شرایط بودجه INTERREG و نیز کمک های مالی از صندوق بین المللی برای ایرلند است و، اخیراً برنامه صلح و آشتی، که دارای یک برنامه فرعی بازسازی روستایی خاص است. به عنوان یک منطقه

ویژه متمایز از انگلستان، ایرلند شمالی برخی از مسائل ناشی در عمل توسعه روستایی در جای دیگر در بریتانیا به شدت روشن تر ساخته است. این مسائل در حال حاضر به نوبه خود در نظر گرفته خواهند شد.

### مشروعیت مشارکت های توسعه روستایی و حکومت (اداره امور) محلی

در حالی که به نظر می رسد اخلاق ها از رویکرد مشارکتی بر پایه مفهوم یک ساختار همکاری فراگیر استوار باشد، واقعیت در سراسر انگلستان اینست که هر منطقه معین می تواند تعدادی از ساختارهای همکاری را داشته باشد و اینها ممکن است بیشتر یا کمتر فراگیر باشند. بسیاری از مشارکت های توسعه روستایی در ایرلند شمالی وجود دارند: به عنوان مثال، مشارکت های LEADER II، مشارکت ها برای کار بر روی استراتژی های مبتنی بر منطقه تشکیل شده توسط DANI (وزارت کشاورزی در ایرلند شمالی)، و مشارکت ها برای مسئولیت رسیدگی به صلح و بودجه آشتی. در اسکاتلند، به همین ترتیب، مشارکت های LEADER II از یک طرف، و یک سیستم مشارکت محلی روستایی ناشی از یک ابتکار دفتر اسکاتلند، از سوی دیگر، و پوشش بالقوه همان مناطق وجود دارند. ترکیب و شکل مشارکت به طور کلی وابسته به سازمان بودجه و یا نهاد دولتی مرتبط است. بنابراین، برای مثال، در ایرلند شمالی، هیئت های مشارکت کنسول منطقه که مسئولیت رسیدگی به پول های صلح و آشتی را دارند باید یک تعادل عددی خاص در مورد پول نمایندگان کنسول منطقه ای، نمایندگان بخش خصوصی، و نمایندگان بخش داوطلبانه و جامعه برقرار نمایند. این اولین جنبه مهم مشارکت ها را نشان می دهد: آنها یک نهاد یکنواخت نیستند، و نمایندگی گروه های مختلف با تشکیل یک مشارکت خودکار نیست، بلکه اغلب در دستورالعمل های یک برنامه داخلی ساخته می شود. بنابراین شکل آنها اغلب توسط تشکل شروع کننده برنامه یک توسعه روستایی و یا اجرای بودجه تعیین می شود. مشارکت ها را ممکن است به طور ناموفق، استبدادی، و یا نماینده و برابری طلب باشند (Craig، 1995؛ Mannion، 1996). این به فرآیند شکل گیری، مقیاس زمانی اجازه داده شده و یک میزان زیادی از کار و تلاش بستگی دارد (Craig، 1995، ص 13). شرایط بودجه که موجب شکل گیری مشارکت ها در مناطق روستایی می شوند، اغلب به معنای این هستند که آنها نسبتاً به سرعت مونتاژ می شوند. مشکلاتی در مورد توسعه مشارکت

ناگهانی، و تا حد زیادی آماده نشده وجود دارند. مسائل نمایندگی نیز بوجود می آیند. این با در ایرلند شمالی ارتباط خاص دارد که در آن ارائه متقابل جامعه از همکاری اغلب یک سوال کلیدی است و سوالی است که برخی اوقات، بودجه را تعیین می کند.

بنابراین مشخص است که در حالیکه مشارکت ها می توانند فراگیر و نماینده باشند، آنها لزوماً چنین نیستند. بنابراین مشروعیت مشارکت چیست؟ در حالی که مدل، مشارکت های توسعه روستایی را به عنوان فراگیری از بازیکنان کلیدی در نظر می گیرد، غالباً قادر به زمینه سازی این ترتیب نیستند. اغلب مشارکت ها در کنار ساختارهای دولت دموکراتیک انتخاب محلی وجود دارند. در واقع، یک مطالعه اخیر از پیاده سازی برنامه های توسعه روستایی اتحادیه اروپا در بریتانیا، فرانسه و اسپانیا نتیجه گیری کرده است که همانند این وضعیت در ایرلند (Curtin, Haase and Tovey, 1997)، رویکرد بریتانیا برای پیاده سازی پشتیبانی ساختاری اتحادیه اروپا توسط تلاش های هماهنگ صورت گرفته به منظور بردن مقامات منتخب در حاشیه مشخص شده اند (Smith, 1995). در فرانسه به طور مشابه، با وجود برنامه تمرکز زدایی اخیر، هیئت بین وزارتی A L'Amenagement DU Territoire در یک L'REGIONALE action (DATAR) در برابر معرفی برنامه LEADER و استثنای قوی با این ایده اتخاذ شد که کمیسیون برای مشارکت ها به طور مستقیم با مناطق محلی تشکیل شود (کورتین، هاسه و تووی، 1997).

Bryden (1994)، منبع مشروعیت گروه ها و مشارکت های جدید را در نظر می گیرد. همانطور که او اشاره می کند، دولت به موجب ساختار دموکراتیک آن مشروع است. با این حال آیا دولت می تواند این مشروعیت را به شکل های غیر دولتی انتقال دهد که خودشان مشروع نیستند؟ چه چیزی رخ می دهد، زمانی که دولت مقامات قانونی (مقامات انتخابی محلی) را در انتقال قدرت و مسئولیت به شکل های شبه-مستقل، نیمه مستقل، و یا مستقل، مانند شرکت های محلی (LECs)، گروه های موقت محلی، کمیته ها، و غیره را دور می زند؟ (Bryden، ص. 233). این سوال نیز با دقت در یک گزارش توسعه روستایی اخیر در جمهوری ایرلند (Commins و Keane، 1994؛ NESCC، 1994) تفکر شد. ایجاد مشارکت ها به ناچار پرسش هایی در مورد رابطه آنها با دولت های محلی و مشروعیت نسبی آنها مطرح می کند. این کار دارای ارتباط خاصی با ایرلند شمالی است که در آن توجه دقیق به

آنچه که یک دستور برای یک گروه را که خواهان ارائه به مردم هستند، معطوف می کند. در اسکاتلند، مسائل مشابه به عنوان بخشی از بحث قانون اساسی گسترده تر بوجود می آیند ( Shortall و Shucksmith ، 1998 ).

نماینده‌گی در هیئت های LEADER در اسکاتلند از LEC هایی نشأت می گیرد که دارای یک حق رای دادن هستند که عضویت آن توسط وزیر دولت مرکزی تعیین می شود. این به طور واضح یک فرآیند از پایین به بالاست. جای تعجب نیست که بیشتر به دنبال گنجاندن یک نماینده از مقامات محلی هستند، اما با این حال LAGs در اصل مخلوقات LECS هستند. در کشورهای دیگر، مشارکت های LEADER اغلب خیلی بیشتر از نزدیک به ساختار دولت های محلی مربوط می شوند [به عنوان مثال، در اسپانیا (Smith، 1995)]، و یا مشروعیت را از مشارکت جامعه به دست آوردند (به عنوان مثال Ray، 1996). تاثیر قرار دادن LEADER LAGs اسکاتلندی در درون ساختار LEC فراتر از نمایندگی، علاوه بر این، به اهداف و فعالیت های آنها گسترش می یابد، همانطور که در زیر مورد بحث قرار گرفته است.

فراتر از این، قدرت و اثربخشی ساختارهای جدید ضعیف می شوند، اگر یک کانال روشن ارتباط دهنده آنها به ساختار هایدولت وجود نداشته باشد. در منافع اثربخشی، و در نهایت پاسخگویی بسیار مهم است که در یک چارچوب نهادی، نقش ها روشن هستند، و قدرت رسمی است و مشروع می شود. چگونه ترتیبات جدید مرتبط با ساختارهای موجود دولت و رویه های آن باید مشخص شوند. این مورد در یک بررسی اخیر بخشی از دستگاه نهادی مستقر شده در ایرلند شمالی نشان داده شده است (LRDP Review, 1995). شورای توسعه روستایی (RDC) با مختصری از دولت تاثیرگذار و مشاوره دهنده در سیاست توسعه روستایی تشکیل شده بود. با این حال، این ارزیابی نتیجه می گیرد که RDC در توانایی خود برای انجام این نقش محدود بود زیرا به خوبی تعریف نشده بود و به معنای چیزهای مختلف برای سازمان های مختلف بود و مکانیسم های برقراری ارتباط مشاوره سیاست با دولت، ضعیف بودند (ص 3). علاوه بر این، این مطالعه نتیجه می گیرد که RDC فاقد قدرت های رسمی برای اعمال یک وظیفه در توسعه سیاست ها یا استراتژی ها برای مناطق محروم روستایی بود. دستگاه سازمانی در ایرلند شمالی که برای مقابله با توسعه روستایی ایجاد شد، چشمگیر است. با این حال، آنچه که این بررسی نشان می دهد، نحوه عدم وضوح در مورد

قدرت های رسمی و ارتباط با ساختارهای موجود است که اثربخشی را محدود می کنند. این منجر به سوالات در مورد تعهد ملی برای مشارکت های توسعه روستایی می شوند. اگر ساختارهای نرمال حکومت همچنان بدون تعامل با شراکت های در حال ظهور جدید وجود داشته باشند، یا بدون کانال های مستقر شده مشخص، آنگاه مشارکت ها یک موقعیت بسیار ظریف را اشغال می کنند.

### فرآیند و اهداف توسعه روستایی

توسعه روستایی، توسعه مبتنی بر منطقه، و یک اصطلاح مورد استفاده بیشتر در ایرلند شمالی، توسعه جامعه، همه حاکی از یک سبک توسعه هستند که در فرآیند و نیز محصول نهایی حضور دارند (نگاه کنید به Matthews، 1995، ص 351). این مورد با تاکید بر مشارکت محلی در تدوین و پیاده سازی اهداف توسعه برای یک منطقه، تلاش برای یکپارچه سازی اجتماعی و همچنین توسعه اقتصادی و اولویت برای توسعه مهارت های بومی مشخص می شود.

اهمیت توسعه اقتصادی به عنوان هدف توسعه روستایی در تمام تجزیه و تحلیل از سوژه روشن است. سردرگمی زیادی بیشتر وجود دارد در مورد توسعه اجتماعی و مدنی، و یا جامعه به عنوان یک هدف. بیشتر معمولاً، دومی به عنوان یک فرآیند به گل دیده می شود، و اغلب آن را به عنوان توجیه معنی به هدف توسعه اقتصادی ( Zeheri و همکاران، 1994؛ Johnson و Rasker ، 1995). یک ارزیابی از شورای توسعه روستایی ایرلند شمالی، این درگیری بین توسعه جامعه و ظرفیت سازی به عنوان یک فرآیند و به عنوان یک هدف، و مشکلات برای سازمان را نشان می دهد. ارزیابی به انتقاداتی اشاره می کند که تاکید زیادی بر فرآیند توسعه جامعه، و توجه ناکافی به "محصول" بازسازی اقتصادی و اجتماعی داشتند. این ارزیابی بیان می کند که «یک فرض اساسی این بود که کار ظرفیت سازی از RDC، یک "حوزه" از گروه ها و طرح های پیشنهادی را تولید می کند که می توانند توسط برنامه های اصلی پشتیبانی شوند (بررسی LRDP ، صص 9-10). در پایان یک دوره سه ساله، این بازنگری دریافت که اکثریت سازمان ها در مرحله اولیه / اولیه توسعه هستند و در عین حال قادر به دسترسی و مدیریت بودجه عمده برای توسعه نبود (ص 2-3). با این حال، اکثریت گروه ها به خودی خود تاکید قوی بر توسعه اجتماعی و جامعه

داشتند. برای بسیاری از گروه های محلی، توسعه جامعه و اجتماعی، یک هدف است. این نشان نمی دهد که آنها اهمیت تشخیص توسعه اقتصادی را شناخته اند. شواهدی وجود دارند که نشان می دهد که گروه هایی که توسعه اقتصادی را انجام می دهند متفاوت از گروه هایی است که توسعه اجتماعی و مدنی انجام می دهند (Bryden و همکاران، 1996)، که تا حد زیادی به دلیل تمرکز محدود منابع مالی آنهاست. یک ارزیابی در اسکاتلند نشان داد که جوامع در عمل بر مسائل پیرامون اشتغال، کار و شرکت کسب و کار، و یا پیرامون مسائل مربوط به کیفیت زندگی مانند بهداشت، جوانان، عیوب، و یا محیط زیست متمرکز می نمایند. ریشه های آن در ارتباط ها با سازمان های مالی خاص بود که مانع یک رویکرد یکپارچه تر می شدند. بنابراین، نوآوری هایی که با هر دوی این حوزه ها سرو کار دارند بسیار نادرتر هستند (Bryden و همکاران، 1996، پ. 4)

جالب توجه است که جنبه توسعه اقتصاد روستایی در صلح و برنامه آشتی ملی در ایرلند شمالی، اولین هدف خود را بدین صورت بیان می کند: " ترویج بازسازی جوامع اقتصادی و در نتیجه اجتماعی در مناطق روستایی که به بدترین شکل تحت تاثیر قرار گرفته اند. در اینجا ما توسعه اقتصادی را قبل از بازسازی اجتماعی در نظر می گیریم. این ایده از یک فرایند خطی باقی می ماند، با این حال، به سادگی این نظم معکوس می شود. بررسی استراتژی توسعه روستایی DANI، یک فرآیند معکوس را نشان می دهد: در مرحله اول حرکت و ظرفیت سازی (شبهه به کار توسعه اجتماعی انجام شده توسط RDC) و پس از مراحل اولیه توسعه، و در نهایت توسعه خود کفا (بررسی DANI، ص 39). در نتیجه این برنامه ها، برنامه نشان دهنده سردرگمی خاص در مورد آن چیزی است که اول می آید و احتمالاً منعکس کننده محدودیت های مفهوم خطی فرآیندی است که با آن آغاز می شود. جالب توجه است که زمان معرفی جوامع آن در برنامه عمل دو سال پیش، صندوق بین المللی برای ایرلند به طور ضمنی به این مشکل اذعان نمود. IFI اظهار داشت که در حالی که بر روی فعالیت های بازسازی اقتصادی در گذشته متمرکز شده است، دریافته است که بخش های توسعه اجتماعی و جامعه، نقش های مهمی در احیای جوامع محروم ایفا می کنند: با توجه به ماهیت و مقیاس محرومیت تجربه شده توسط این مناطق، مردمی که در آنها زندگی می کنند اغلب قادر به برداشت مزایای توسعه اقتصادی نیستند (جزوه IFI). IFI دریافته است که توسعه اقتصادی به تنهایی ناکافی است. با این حال، این

سوال، در مورد تعهد سیاست به اهداف توسعه اجتماعی و مدنی، به جای توسعه اجتماعی و مدنی به عنوان بخشی از فرایند توسعه اقتصادی باقی می ماند.

یک سردرگمی مشابه در اسکاتلند وجود دارد. در 1 LEADER، برخی از برنامه ها بر اهداف فرآیند تاکید نمودند (به عنوان مثال Western Isles, Skye and Lochalsh که در آن هماهنگ کننده، هدف اصلی را به عنوان برای تغییر روش تفکر مردم توصیف نمود)، در حالی که در LECS که تاثیر ظریف تر اعمال شد، تمرکز بر ایجاد شغل و دیگر خروجی های مشابه بود (Ekos, 1997). بنابراین سوالات، نه تنها در مورد وضعیت و دنباله ای از اهداف اجتماعی و جامعه در مقابل اهداف اقتصادی، و در مورد اهداف فرایند به عنوان برابر اهداف خروجی، بلکه اساسا در مورد چگونگی در نظر گرفتن هر کدام از این طرح های به عنوان توسعه یکپارچه روستایی پابرجا هستند.

### قبل از توسعه و مقیاس زمانی

قبل از توسعه، یک فاز است که گروه های محلی متحرک می شوند و ظرفیت در میان مردم محلی برای کار هدفمند در اقدام جمعی تولید می شود (NECS، 1994، ص. 164). یک پیش بینی برای حرکت به طور کلی به عنوان خیلی مهم پذیرفته می شود. (Mannion (1996) اشاره می کند که همه بازیگران، از جمله دولت های محلی و ادارات دولتی مرکزی و روستایی گروه توسعه، نیاز به آموزش و آماده سازی برای توسعه انجام شده بر مبنای ارضی دارند. در غیر این صورت موفقیت این فرآیند از ابتدا به خطر می افتد.

قبل از توسعه، همانطور که از نام آن پیداست، معمولا به صورت یک مرحله ارائه می شود که مقدم بر توسعه است (Commins and Keane, 1994; NECS, 1994). این مرحله در مورد ظرفیت سازی و حرکت است. برخی از مشکلات با این دیدگاه قبل از توسعه وجود دارد. اغلب یک مقیاس زمانی برای پیش توسعه مشخص نمی شود. RDC در ایرلند شمالی از کارگران توسعه با مختصری از حرکت و ظرفیت سازی استفاده نمود. مروری بر سازمان نشان داد که مقیاس زمانی مورد نیاز برای مدل توسعه برای کار به خودی خود از طریق جوامع روستایی محروم هرگز اظهار نشد. این بررسی می پرسد که چقدر طول می کشد تا فرآیند توسعه جامعه به توسعه یک فرآیند بازسازی اقتصادی و اجتماعی موفق منجر شود؟ آیا تولید گروه های محلی قوی و برنامه ها و طرح های با کیفیت در یک دوره از دو تا سه



سال ممکن است؟ آیا فرآیند ظرفیت سازی ممکن است به یک دوره طولانی تر، شاید حتی ده سال یا بیشتر در برخی از مناطق نیاز پیدا کند؟

مشخص نیست که چه مدت برای یک تعهد سیاسی به حرکت و ظرفیت سازی وجود دارد، یا باید باشد. این سؤال، هنگام در نظر گرفتن برنامه صلح و آشتی در ایرلند شمالی بیشتر طنین انداز می شود. هدف بیان شده زیر برنامه بازسازی روستایی اینست: ترویج صلح و آشتی در مناطق روستایی با تشویق فعالیت های مشوق که جوامع در این مناطق را گرد هم آورد و کمک به توسعه اقتصاد روستایی. مقدار زمانی که برای ایجاد یک حس اجتماعی طول می کشد، بلافاصله در چنین زمینه ای آشکار می شود. دو جامعه در ایرلند شمالی، یک تاریخچه کار با هم ندارند. در واقع برعکس است؛ در حین داشتن یک فضای جغرافیایی مشترک، آنها زندگی جداگانه و مجزا دارند. دو نوع از باشگاه های جوانان، دو کلیساها و فعالیت های کلیسا، دو گروه زنان و غیره، یک هنجار در مناطق روستایی محدود در ایرلند شمالی است. هر فرد درگیر در توسعه روستایی در ایرلند شمالی بلافاصله باید با سیاست های فضا جدال کند: ملاقات در Orange Hall یا the GAA Hall، یک تصمیم سنگین است، و یک گروه خاص از مردم را حذف خواهد نمود. سابقه کمی از یک فضای مشترک و خنثی وجود دارد. مکان های جلسه با سیاست و هویت گره خورده اند، و مردم از یک مکانی که متعلق به آنها نیست استفاده نمی کنند. برنامه صلح و آشتی با انجام کارهای متفاوت، در حال ارائه این استفاده است. قابل لمس ترین تغییر، بحث و آگاهی در مناطق روستایی است که می توانند با هم عمل کنند. با این حال، این کار بسیار زمانبر است.

به جای اینکه قبل از توسعه به عنوان یک مرحله در نظر گرفته شود که مقدم بر توسعه است، یک استدلال برای قرار گرفتن آن در طول توسعه وجود دارد. به عبارت دیگر، یک نقش برای حرکت و ظرفیت سازی حتی پس از بوجود آمدن اقدام جمعی وجود دارد. این نقش مربوط به توانایی انیماتورها برای تعامل گروه هاست که می توانند به کندی در فرایند توسعه شرکت کنند. اگر هنگام تحقق عمل عملی جمعی انیماتورها بیرون بکشند، این احتمال وجود دارد که افراد متحرم در یک دوره کوتاه از زمان دارای مهارت ها و تجربه مربوطه مشارکت شوند. Commins and Keane (1994, p. 171) استدلال می کنند که در صورتی که گروه های LEADER یک نقش فعال را نداشته

باشند، آنها مکمل منابع سرمایه آماده حال حاضر هستند و قادر به شروع و یا گسترش یک شرکت می باشند. کسانی که سابقه مشارکت، و یا مهارت های مربوطه را ندارند، به ظرفیت سازی بیشتر، و ادامه حرکت نیاز خواهند داشت. این مورد در ایرلند شمالی مشخص است که در آن بسیاری از گروههای زنان و زنان تک، به حرکت افزایش یافته و ظرفیت سازی باید برای رسیدن به مرحله ای که بازیگران دیگر در منطقه محلی با سرعت بیشتری به آن دست یافته اند نیاز دارند. این نقطه نه تنها به گروه ها در مناطق روستایی، بلکه همچنین به تفاوت ها بین مناطق روستایی نیز مربوط می شود. برخی از مناطق دارای سابقه بیشتری از عمل محلی، جمعی (سرمایه اجتماعی) هستند و این کار به سرعت آنها را در موقعیت بهتری از برنامه های توسعه روستایی قرار می دهد. در ایرلند شمالی، این دارای یک بعد سیاسی است. کارگران توسعه به مدت طولانی به سهولت بیشتر شروع برنامه های توسعه مشارکتی در مناطق کاتولیک / ملی اشاره کرده اند (مک دونا، 1996). این مناطق معمولاً دارای احساس بی اعتمادی به دولت هستند و تمایل بیشتری به انجام فعالیت ها و کارهای داوطلبانه برای کمک به خود دارند. در ایرلند شمالی، جوامع پروتستان / اتحادیه به حرکت و ظرفیت سازی بیشتر نیاز دارند و مقیاس زمانی برای این فرآیند در چنین جوامعی ممکن است طولانی تر باشد. آیا تعهد سیاسی به یک فرآیند بسیار طولانی، با 'خروجی' ضعیف وجود دارد؟ و آیا طول این فرآیند به اندازه کافی شناخته شده است؟

### رابطه با برنامه های جریان اصلی

یکمسئله نهایی برجسته، مسئله رابطه بین برنامه های توسعه یکپارچه روستایی و برنامه های جریان اصلی است که در مخارج غالب هستند و به طور فزاینده ای در سالهای اخیر مورد تمرکز قرار گرفته اند. Commins and Keane (1994) نشان می دهند که در ایرلند (و در جای دیگر از نظر ما) چارچوب سیاسی هنوز هم به طور مجزا و به شدت، وابسته به بخش است، به طوری که تعدادی از اقدامات برای توسعه روستایی محلی در یک شکل جزء جزء از دیدگاه بخشی فردی پدید آمده است. Curtin, Haase and Tovey (1997) نشان می دهند که عدم وجود یک مکانیسم کافی برای هماهنگی افقی برنامه ها و مشارکت در سطح محلی و هماهنگی عمودی بین سازمان ها در سطوح محلی، منطقه ای و ملی به احتمال زیاد به میزان قابل توجهی از وزن خالص (فعالیت هایی که می

توانستند به هر حال رخ دهند) و جابجایی فعالیت موجود منجر می شود. آنها استدلال می کنند که مقامات محلی باید به سازمان اداری اصلی برای هماهنگی محلی و روستایی توسعه از طریق مشارکت بخش های دولتی، خصوصی و داوطلبانه تبدیل شوند. بنابراین شوراها به "تمرکز برای هماهنگی افقی گروه های محلی و لینک های عمودی با دولت ملی تبدیل خواهند شد، حالی که تداوم و ثبات را نیز ارائه می دهند. معرفی برنامه ریزی جامعه در هر منطقه مجاز محلی در اسکاتلند در طول 1999 می تواند یک مکانیسم دستیابی به این مورد را در آینده ارائه دهد.

به غیر از بخش بخش شدن، یکی دیگر از ضعف های عمده ای که از شکست برای تشریک مساعی با برنامه های جریان اصلی پیش می آید، اینست که طرح های توسعه روستایی یکپارچه نمی توانند پس از دوره زمانی بودجه اولیه ابقا شوند. برنامه های توسعه جامعه توسط ماهیت موقت خود مشخص می شوند (Curtin, Haase and Tovey, 1997). تعداد بسیار کم گروه های LEADER در انگلستان به احتمال زیاد فراتر از بودجه فعلی ادامه یافته است، به خصوص چون کمیسیون اتحادیه اروپا تنها 375 LAGs در LEADER +، در مقایسه با 930 در LEADER 2. پیش بینی می کند و طبق استدلال Shortall (1994)، اگر در خروج از بودجه، تغییر قابل توجهی در نحوه سازماندهی ساختارهای حکومت وجود نداشته باشد، بنابراین آنچه اتفاق خواهد افتاد، یک تفکر دوباره عالی و نظم دوباره بر مبنای مقامات منطقه ای و محلی نخواهد بود، بلکه یک معیار کوتاه مدت خواهد بود.

## نتیجه گیری ها

توسعه روستایی یکپارچه که یک رویکرد تاکیدکننده بر حرکت، ظرفیت سازی، درگیری جامعه و شراکت را دنبال می کند، در طی دهه 1990 هدف گرفته شد و در حال حاضر توسط کمیسیون اروپایی و دولت های ملی در بریتانیا حمایت شده است. ما برخی از موضوعات رخ داده در عمل را در نظر گرفته ایم.

عمل توسعه روستایی در ایرلند شمالی، همان موضوعات شیوه توسعه روستایی در جاهای دیگر بریتانیا را مطرح می کند، اما برخی از موضوعات بغرنج تر هستند. برخی پیشنهادات وجود دارد که یک رویکرد سازمان یافته از طریق شراکت های توسعه روستایی غیرمتمرکز، یک شکل جدید از حکومت را نشان می دهد (NESC, 1994). در حالیکه این مورد قابل سوال کردن است، سوالات متعددی را نیز در مورد مشروعیت این شراکت ها مطرح می کند، به

خصوص در جایی که مخارج آن با دولت باشد. پیرو (Jones and Stewart (1992) جایگذاری انتخاب شده رسمی با انتخاب شده در اسکاتلند روستایی به عنوان مبنای قضاوت جدید روستایی مشخص شده است (Lloyd, 1995). این مورد اشکال مختلفی در اسکاتلند و ایرلند شمالی دارد که در آن، مشروفیت نوآوری های مرتبط با LECها و شوراهای منطقه ای به ترتیب زیر سوال می روند. رابطه با دولت محلی و ملی به طور کافی در این مورد بررسی نشده است. اگر لینک های مشخص، رسمی وجود نداشته باشند، مشارکت های توسعه روستایی یکپارچه احتمالاً بی دوام خواهند بود.

نه در ایرلند شمالی و نه در بقیه بریتانیا، مشخص نیست که هدف توسعه روستایی چقدر ارزش دارد و به عنوان کدام بخش از این فرآیند در نظر گرفته می شود. ارزش توسعه مدنی و اجتماعی، باید مشخص شود. بسیاری از برنامه های توسعه، دارای یک درک یکنواخت از رابطه بین توسعه اقتصادی و اجتماعی هستند. تعهد نسبی آنها نسبت به یکدیگر همیشه مشخص نیست و فرآیندی که یکی از آنها به دیگری منجر می شود، مشخص نیست. جداسازی مسئولیت های اهداف اقتصادی و اجتماعی، این سوال را مطرح می کند که تا چه حد، این نوآوری ها را می توان به عنوان توسعه روستایی یکپارچه در نظر گرفت.

نیاز به مشخص نمودن یک مقیاس زمانی برای ظرفیت سازی و تحرک، یک موضوع سراسری در بریتانیا است، اما به طور خاص در زمینه ایرلند شمالی برجسته است. ایرلند شمالی ناحیه ای است که تقسیمات سیاسی و فرهنگی غالب درون مناطق روستایی، برای مدت زمان طولانی اتخاذ شده اند. فقدان مقیاس زمانی بیان شده برخی اوقات موجب شک در مورد وجود درک کافی از طول زمان مورد نیاز می شود. آیا برنامه های توسعه به اهداف خروجی کوتاه مدت تر متعهد می شوند یا یک فرآیند طولانی مدت عمیق تر؟ مقیاس زمانی چه فعل و انفعالی با اهداف شمول اجتماعی خواهد داشت؟

شاید آنچه که برنامه های توسعه روستایی در ایرلند شمالی نشان می دهد، به طور واضح، عدم قابلیت آنها برای مقابله با مسائل سیاسی بزرگتر است. تقسیمات در مناطق روستایی در ایرلند شمالی به دلیل فقدان توسعه اقتصادی

یا اجتماعی رخ نداد. انعکاس بیشتر این مسئله در فعالیت بین جوامع در مناطق روستایی و حل و فصل مسئله بازتولید اجتماعی و اقتصادی است.

در مجموع، تعدادی از موضوعات کلیدی، برای شیوه توسعه روستایی یکپارچه برجسته شده اند. این موضوعات که در ایرلند شمالی و اسکاتلند بسیار شایع هستند، مشروعیت گروه های توسعه روستایی، نیاز به مشخص نمودن فرآیند و اهداف توسعه روستایی، لزوم ایجاد تعهد و مقیاس زمانی بری حرکت و ظرفیت سازی و در نهایت، نقش دولت برای پرداختن به سوالات بزرگتری است که فراتر از ظرفیت مناطق روستاییست.

## Bibliography

- Bagnasco, A. (1977) *Tre Italie: La problematica territoriale dello sviluppo italiano*, Bologna, Il Mulino.
- Bagnasco, A. (1988) *La costruzione social del mercato*, Bologna, Il Mulino.
- Bryden, J. (1994) Towards sustainable rural communities: from theory to action, in J. Bryden, ed., *Towards Sustainable Rural Communities*, University of Guelph, Canada, pp. 211–235.
- Bryden, J., Watson, R. D., Storey, C. and van Alphen, J. (1996) *Community Involvement and Rural Policy*, The Scottish Office, Edinburgh, UK.
- Bryden, J., Burnett, K., Roberts, D., Salant, P. and Shucksmith, M. (1996) *Broken Traditions: Agriculture and Rural Society in England*, A report to MAFF,
- Burns, D. et al. (1994) *The Politics of Decentralisation: Revitalising Local Democracy*, MacMillan, Basingstoke, UK.
- Cloke, P., Milbourne, P. and Thomas, C. (1994) *Lifestyles in Rural England*, Rural Development Commission,
- Commins, P. and Keane, M. (1994) *Developing the Rural Economy – Problems, Programmes, and Prospects in New Approaches to Rural Development*, NESC Report No. 97, NESC, Dublin.
- Craig, S. (1995) *Making Partnership Work*, The Combat Poverty Agency, Dublin.
- Curtin, C., Haase, T. and Tovey, H. (1997) *Poverty in Rural Ireland: A Political Economy Approach*, Oak Tree Press, Dublin.
- DANI (Department of Agriculture Northern Ireland) (1996) *The Northern Ireland Rural Development Programme – Review of Progress 1990–1996*, Department of Agriculture, Belfast.
- HM Treasury (1976) *Rural Depopulation: An Inter-Departmental Study*,

- Holdcroft, L. E. (1982) The rise and fall of community development in developing countries 1950–1965: a critical analysis and implications, in G. Jones and M. Rolls, eds, *Progress in Rural Extension and Community Development*, Crook Helm, London, Vol. 1.
- Johnson, J. and Rasker, R. (1995) The role of economic and quality of life values in rural business location, *Journal of Rural Studies*, **11**(4), 405–416.
- Jones, B. and Stewart, J. (1992) Selected not elected, *Local Government Chronicle*, **15**.
- Keane, M. and Quinn, J. (1990) *Rural Development and Rural Tourism*, Social Sciences Research Centre, UCG, Galway.
- Kearney, B., Boyle, G. E. and Walsh, J. A. (1994) *EU Leader I Initiative in Ireland: Evaluation and Recommendations*, Department of Agriculture, Food and Fisheries, Dublin.

Forestry, Dublin.

- Lloyd, M. G. (1995) *The New Rural Magistracy? Economic Development and Accountability in Rural Scotland*, paper presented to RSGS One-day symposium, University of Glasgow, Glasgow, UK.
- LRDP (1994) A review of the Rural Development Council prepared by Local and Regional Development Planning (LRDP), Unpublished.
- Matthews, A. (1995) Agricultural competitiveness and rural development, in J. W. O'Hagan, ed., *The Economy of Ireland*, Gill and Macmillan, Dublin, pp. 328–362.
- Mannion, J. (1996) Partnership, participation and capacity building: rural development based on bottom-up strategies, *LEADER Magazine*, No. 12, pp. 6–10.
- McDonagh, R. (1996) Partnership within Northern Ireland, in *Partnerships in Action – The Role of Community Development and Partnership in Ireland*, Community Workers' Cooperative, Galway, pp. 93–105.
- McLaughlin, E. and Quirk, P. *Policy Aspects of Employment Equality in Northern Ireland*, The Standing Advisory Commission on Human Rights, Belfast.
- Michaelson, S. (1979) Community-based economic development in urban areas, in B. Chinitz, ed., *Central City Economic Development*, Abt Books, New York, NY.
- NESC (1994) Rural Development, in *New Approaches To Rural Development*, NESC Report, No. 97, NESC, Dublin.
- Piore, M. and Sabel, C. (1984) *The Second Industrial Divide*, Basic Books, New York, NY.
- Putnam, R. D. (1993a) *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton University Press, Princeton, NJ.
- Putnam, R. D. (1993b) The prosperous community: social capital and public life, *The American Prospect*, **13**, 35–42.
- Ray, C. (1996) *Local Rural Development in the Western Isles, Skye and Lochalsh and Brittany*, unpublished PhD thesis, University of Wales, Aberystwyth, UK.
- Shortall, S. (1994) The Irish rural development paradigm – an exploratory analysis, *The Economic and Social Review*, **25**(3), 233–260.
- Shortall, S. and Shucksmith, M. (1998) Integrated rural development: issues arising from the Scottish experience, *European Planning Studies*, **6**(1), 73–88.
- Shucksmith, M., Chapman, P. and Clark, G. (1996) *Rural Scotland Today: The Best of Both Worlds?* Avebury,
- Shucksmith, M., Roberts, D., Scott, D., Chapman, P. and Conway, E. (1997) *Disadvantage in Rural Areas*, Rural Development Commission, Research Report 29, London, UK.
- Smith, A. (1995) Going beyond the democratic deficit: the European union and

rural development in networked societies, *Regional and Federal Studies*, **5**(1), 45–66.

Zeheri *et al.* (1994) Past Activeness, Solidarity, and Local Development Efforts, *Rural Sociology*, **59**(2), 216–235.